

نگاهی دیگر به فیلم LUCY 2014

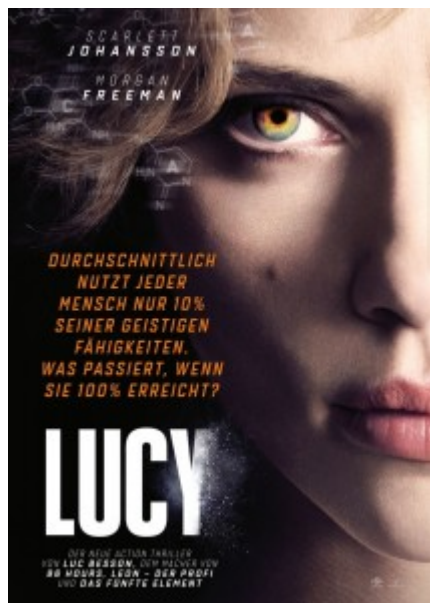
نقد و بررسی فیلم لوسی (LUCY) (2014)

این فیلم را می توان به نوعی تخیلی با جلوه های ویژه ی زیبا و فوق العاده نامید درحالیکه تضاد و تعارضاتی که در این فیلم شاهد هستیم ما را در فکر فرو می برد علاوه بر در نظر گرفتن جنبه ی سرگرمی فیلم باید اندیشید که این فیلم چه مفاهیمی را می خواهد به بیننده القا کند به نظر من فیلمی سراسر دروغ و تخیل برای کسانی که آگاهی لازم نسبت به حوزه های مختلف دارند متوجه ی این خیالبافی های سناریست خواهند شد و اما کسانی که همیشه از فیلم ها تاثیر می گیرند چه ؟ تکلیف افرادی که با یک تلنگر به وادادگی افکار می رسند چه؟

زود باورانی که ادعای مدرنیته دارند چه؟

درسته برای این افراد خیلی خطرناک و تاثیرگذار است و با دیدن این فیلم خیلی از عقاید یشان سست می گردد و نتایج درونی منفی متوجه آن ها می گردد.

مطالبی را که اذعان داشتم بخش آسیب شناسی فیلم لوسی (LUCY 2014) بود



در ابتدا بهتر است به دروغ ها و تضاد ها در این فیلم
بپردازیم

• یک میلیارد سال پیش بهمون حیات داده شد با هاش
چه کردیم؟

• اولین زن روی زمین اسمش لوسی بود

• برای موجودات اولیه ای مثل ما ، زندگی بنظر
میاد فقط یک هدف دارن ، کسب زمان

• بحث استفاده 10 % از ظرفیت مغز ما که کاملاً غلط
و اشتباه است

پروفسور باربارا ساهاکیان استاد کلینیک روان شناسی
عصبی دانشگاه کمبریج می گوید:

این ایده که ما فقط درصد کوچکی از مغز خود را مورد
استفاده قرار می دهیم به هیچ وجه درست نیست و کل مغز
همیشه فعال است و نوروها و سلول های عصبی درگیر

فرآیند تفکر همیشه مشغول انجام دادن کاری هستند و اینکه 90% مغز بلااستفاده باقی می ماند به هیچ وجه صحیح نیست این تصور رایج و غلط در کتاب (آیین دوست یابی) که در سال 1936 منتشر شد جا انداخت و به نشر این باور غلط کمک کرد

طبق نظرسنجی که در سال گذشته توسط بنیاد مایکل جی فاکس برای تحقیقات پارکینسن انجام شد 65% آمریکاییان به این مساله باور دارند

• دادن آفرینش به مردم ، ممکنه برای ما بی ثباتی و هرج و مرج بیاره و ... خیلی مطالب دیگر که از حوصله این مقاله خارج است

با نشان دادن تصویر اولین زن به تایید نظریه داروین می پردازد تا این نظریه را از دید مخاطب مورد پذیرش قرار دهد و در سکانس هایی میمون - زن را مقابل لوسی شخصیت اول داستان قرار می دهد به نوعی زن اولیه و زن امروزی و این یعنی همان تکامل درحالیکه دانشمندان معتقدند که :

نئو آندرتال ها با انسان ها متفاوت بودند که شبیه میمون و فاقد شعور و تکلم بودند و اینکه نسل آن ها منقرض شده است

در یک برداشت از قسمتی از این فیلم بر می خوریم که جالب توجه است :

موسیقی طنز زمینه ی فیلم می شود و انسان اولیه ای را با سنگ آتش زنه نشان می دهد و نماد های متفاوت شروع می شود که شاید مفهوم کلی فیلم در همین نماهایی که به سرعت به دید مخاطب می نشیند ، می باشد

34 تصویر پشت سرهم که در کل نشان میدهد :

تلاش انسان برای بهتر زندگی کردن یا ...

حتی به نمایش گذاشتن دیدگاه های مذهبی مثل نمایش خانه ی کعبه هم در روز هم در شب ... رقص باله/ عرفان / بودا / ارتش زنان چینی نه ارتش مردان

شخصیت اصلی داستان زنی است که معمولی و عادی حتی به دیسکوهای شبانه می رود و زندگی حدودا بی دغدغه ای دارد این فیلم اصرار بر این دارد که زن را نماینده معرفی کند ؟ حالا نماینده چی؟ چرا زن؟ زن را در مقام عمل نشان می دهد یا به قولی همان مرد عمل بودن ... و مرد را یک یاغی / یک متفکر و پروفیسور و نظریه پرداز / مرد مطیع/ در این فیلم خلقت ها دستکاری شده است و هیچ چیز سر جای اصلی خودش نیست



نظریه پرداز این فیلم که همان دانشمند سیاه پوستی است که بحث 10% حجم مغز را بیان می کند در مورد 2 انتخاب بشری که ما ناچار هستیم یکی از آن ها را برگزینیم صحبت می کند



اگر شرایط زندگی برای ما انسان ها طبیعی باشد ما تولید مثل کردن را انتخاب می کنیم و در حین بیان این مطالبش جفت گیری حیوانات و پرندگان را نشان می دهد تا به برقراری رابطه ی جنسی انسان می رسد جالب توجه است که حیوانات در شرایط محیط زندگی و قلمرو خودشان بصورت طبیعی در حال جفت گیری هستند جای بحث نیست اما نشان دادن رابطه جنسی انسان سوال برانگیز است این رابطه در ماشین یعنی خارج از محیط منزل و قلمرو انسانی روی تپه ای نشان می دهد و در این رابطه زن را غالب بر مرد در رابطه جنسی نشان می دهد

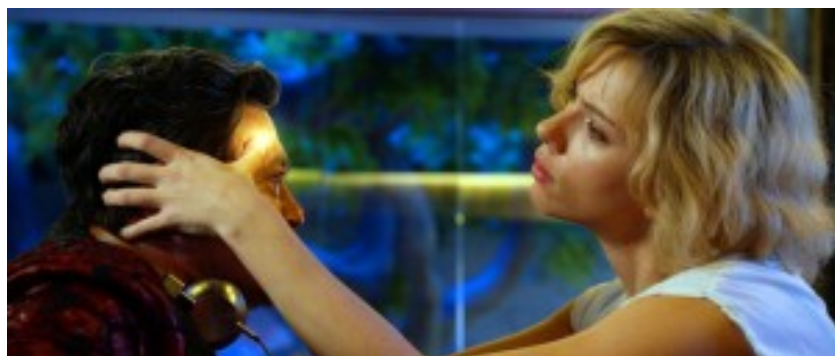
و اما انتخاب دوم اگر شرایط غیر طبیعی باشد فناپذیر بودن را انتخاب می کنیم و تصاویری همچون سونامی / طوفان سهمگین / فوران آتشفشان ... را نشان می دهد

تحلیل:

با توجه به گفته های خود فیلم ، هم در انتخاب اول و هم در انتخاب دوم ما محکوم به فنا هستیم زیرا حتی الگوی جنسی ما با توجه به فیلم الگویی شهوتی و کاملاً هوس و به دور از تولید مثل انسانی بود

فیلم به سمت درصد بندی مغز پیش می رود

20% : بعد از کنترل خودمون دیگران را می توانیم کنترل کنیم



30% : برای لوسی در این سکانس چهره ی یک زن مصری قدیم را نشان می دهد شاید به این مفهوم باشد که مصریان قدیم به حدی رسید که از 30% مغز خود استفاده می کردند

40% انتشار

50% : ارتعاشات

60% : کنترل دیگران

70% : کنترل کامل بر اشیاء

80 % : ساخت کامپیوتر آینده

99% : تک سلول در انتها

100% : محو کامل

و سوال پلیس که گفت: لوسی کجاست؟ I am Every Where...

اینبار Lucy خدا خواهد شد خدایی که همه جا هست و بُعد زمان و مکان برایش بی مفهوم است. خدایی که در فیلم Lucy نشان میدهد خدایی است انسان گونه که با مواد مخدر و تزریقی همه جا منتشر شد و توانست از 100% حجم مغز خود استفاده کند یعنی هر انسانی می تواند خدا شود ، خدایی نیست خدا وجود ندارد ، یعنی از ابتدا نبوده است این فیلم تایید کننده ی ایده ی نیچه است خدا مرده است یعنی هر موجودی که از بالا برای انسان تعیین کند چه چیزی زشت یا خوب است وجود ندارد و مرده است در اصل در ابتدا خدایی نبوده که اکنون مرده است در اصل اندیشه ی خدا مرده است و انسان های خود دل خوش کرده اند که کسی به نام خدا آن ها را هدایت می کند و پذیرفتن موجودی به نام خدا و یا پذیرش دین و ویژگی انسان های روان رنجور است و

انسان های صغیر آن ها معتقدند که خدا از ابتدا نبوده است و یک چیز موهوم است و اگر خدایی در ذهن خلق شده معیار مطلق نیست

من در زمین تنها هستم و خدایی در کار نیست



فیلم لوسی در یک تعریف :

خدایی نیست و هرکدام از ما انسان ها قابلیت خدا شدن داریم ، دین مفهومی ندارد و اثبات برخی نظریه ها همچون داروین / نیچه

پرستو مروجی

“هر گونه استفاده (وبسایت، وبلاگ و ...) بدون ذکر منبع شرعا حرام و پیگرد قانونی دارد”.